



معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
اداره پاسخگویی به سوالات دینی

احکام تقلید

دوره آموزشی کارشناسان پاسخگویی به سوالات شرعی

گروه علمی احکام اداره پاسخگویی به سوالات دینی
(سال ۱۳۹۸)

در این نسخه تنها نظر چهار تن از فقها آمده است و مطالب کم کاربردتر نیز حذف شده است؛

((غیر قابل انتشار))

۴	۱. اجتهاد.....
۴	۱.۱. چند مسئله دربارهٔ اجتهاد.....
۴	۱.۱.۱. وجوب اجتهاد.....
۴	۱.۱.۲. فتوادادن کسی که مجتهد نیست.....
۴	۲. احتیاط.....
۵	۳. تقلید.....
۵	۳.۱. آشنایی با اصطلاحات.....
۵	۳.۱.۱. الفاظ دال بر فتوا.....
۷	۳.۱.۲. احتیاط واجب.....
۷	۳.۱.۲.۱. الفاظ دال بر احتیاط واجب یا در حکم احتیاط واجب.....
۹	۳.۱.۲.۲. تفاوت «فتوای به احتیاط» با «احتیاط در فتوا».....
۹	۳.۱.۳. احتیاط مستحب.....
۹	۳.۱.۳.۱. احتیاط بعد از فتوا یا قبل از فتوا.....
۹	۳.۱.۳.۲. الفاظ احتیاط مستحب.....
۱۰	۳.۱.۴. جاهل مقصر و جاهل قاصر.....
۱۳	۴. مسائل مربوط به مجتهد.....
۱۳	۴.۱. مجتهد جامع الشرایط چه کسی است؟.....
۱۳	۴.۱.۱. اختلاف فتاوا.....
۱۴	۴.۱.۲. به چه کسی عادل می‌گویند؟.....
۱۴	۴.۱.۳. راه‌های ثابت شدن عدالت.....
۱۴	۴.۱.۳.۱. یقین.....
۱۴	۴.۱.۳.۲. بینة.....
۱۴	۴.۱.۳.۳. حسن ظاهر.....
۱۵	۴.۲. اعلیت مرجع تقلید.....
۱۵	۴.۲.۱. اگر چند مجتهد مساوی باشند، تکلیف چیست؟.....
۱۵	۴.۲.۲. از چه راه‌هایی مجتهد اعلم شناخته می‌شود؟.....
۱۶	۴.۲.۳. اگر شناختن اعلم مشکل باشد، از چه کسی تقلید کنیم؟.....
۱۶	۴.۲.۴. تبعیض در تقلید.....
۱۷	۴.۳. مسائل مربوط به پاسخ‌گو.....
۱۷	۴.۳.۱. وظیفهٔ پاسخ‌گو در پاسخ‌گفتن.....
۱۷	۴.۳.۱.۱. جواب‌دادن طبق مرجع خودش.....
۱۷	۴.۳.۱.۲. وجوب ارشاد جاهل به حکم.....
۱۸	۴.۳.۱.۳. وجوب ارشاد جاهل به موضوع.....
۱۸	۴.۳.۲. عوض شدن فتوای مجتهد.....
۱۹	۴.۳.۳. اشتباه گفتن فتوای مجتهد.....
۱۹	۴.۴. مسائل مربوط به مقلد.....
۱۹	۴.۴.۱.۱. اعمالی که بدون تقلید انجام داده‌ایم.....
۲۰	۴.۴.۱.۲. رجوع قهری احتیاط واجب بدون نیت رجوع.....

۴.۴.۲.	راه‌های دستیابی به فتوای مجتهد.....	۲۱
۴.۴.۲.۱	وظیفه مقلد، در صورتی که مرجع در مسئله‌ای فتوا نداشته باشد.....	۲۱
۴.۴.۳.	مسائلی که یادگرفتن آن‌ها واجب است.....	۲۱
۴.۴.۳.۱	حکم جاهل بودن به مسئله‌ای که در نماز اتفاق می‌افتد.....	۲۲
۴.۴.۴.	تقلید بجهت ممیز.....	۲۳
۴.۴.۴.۱	تقلید صبی.....	۲۳
۴.۴.۵.	عبادت جاهل قاصر و مقصر.....	۲۳
۴.۴.۶	وظیفه انسان تا زمان انتخاب مرجع.....	۲۴
۴.۴.۷.	وظیفه وکیل و وصی در انجام اعمال.....	۲۴
۴.۴.۷.۱	وکیل و اجیر و وصی چگونه اعمال خود را انجام دهند؟.....	۲۴
۴.۴.۸.	وظیفه مکلف در عقود درجایی که فتوای مرجع طرفین مختلف است.....	۲۵
۴.۴.۸.۱	اگر در عقود، فتوای مرجع تقلید دو طرف متفاوت بود.....	۲۵
۵.	مسائل مربوط به فوت مجتهد.....	۲۶
۵.۱.۱	حکم بقا بر تقلید میت.....	۲۶
۵.۱.۱.۱.	دامنه بقا.....	۲۶
۵.۱.۲	بقا بر میت، بدون رجوع به زنده.....	۲۷
۵.۱.۳	اجازه بقا بر میت با فوت مرجع دوم.....	۲۷
۵.۲.	تقلید ابتدایی میت.....	۲۸
۵.۳.	اجازه و اذن و وکالت، بعد از فوت.....	۲۸
۵.۳.۱	اذن و وکالت مجتهد بعد از فوت.....	۲۸
۶	عدول از مجتهد زنده به مجتهد زنده دیگر در مسائل اختلافی.....	۲۹
۷.	ولایت فقیه.....	۳۰
۷.۱	معنای ولایت فقیه.....	۳۰
۷.۲	قلمرو ولایت فقیه.....	۳۰
۷.۲.۱	اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید.....	۳۰
۷.۳.	حکم حاکم.....	۳۰
۷.۳.۱	حکم حاکم جامع الشرایط.....	۳۰
۷.۳.۲.	تعارض قوانین و فتوای مرجع تقلید.....	۳۱
۸.	مسائل متفرقه.....	۳۱
۸.۱	کتاب‌های فقهی مراجع.....	۳۱

۱. اجتهاد

۱.۱. چند مسئله دربارهٔ اجتهاد

۱.۱.۱. وجوب اجتهاد

اجتهاد، واجب کفایی است و اگر افرادی (به قدر کفایت) بر این امر اقدام کردند، تکلیف از دیگران ساقط است (حضرت امام).^۱

۱.۱.۲. فتوادادن کسی که مجتهد نیست

کسی که اهلیت فتوادادن ندارد (غیرمجتهد)، فتوادادن بر او حرام است (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم).^۲

۲. احتیاط

چه کسی می تواند احتیاط کند؟

- عمل به احتیاط برای همه جایز است؛ ولی باید مواضع احتیاط را بشناسد و البته افراد اندکی این مواضع را می شناسند؛ چون شناخت آن ها کار دشواری است و مستلزم اطلاع کامل دربارهٔ کیفیت آن (در احتیاط، انسان باید مجتهد باشد یا در همین احتیاطش، تقلید کند) (حضرت امام).^۳
- چون عمل به احتیاط مستلزم شناسایی مواضع و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر این است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند (امام خامنه ای).^۴
- کسی که می خواهد احتیاط کند، باید مجتهد باشد یا در اصل جواز عمل به احتیاط و عدم آن از مجتهد تقلید کند (آیت الله مکارم).^۵
- اقوا جواز ترک تقلید و عمل به احتیاط است؛ ولی معرفت مواضع احتیاط غالباً برای عوام متعذر یا متعسر است

۱. سیدروح الله خمینی، آموزش فقه، ص ۲۱؛

۲. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۴۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین؛

۳. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲ و ۶۶؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، م ۱؛

۴. سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲ و تحریر المسائل، م ۱۱.

۵. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲.

(آیت الله سیستانی).^۱

نحوه احتیاط

- مراد از احتیاط در مواضع آن، رعایت همه احتمالات فقهی است؛ به طوری که مکلف مطمئن شود به وظیفه خود عمل کرده است (امام خامنه ای).^۲

احتیاط به یکی از روش های زیر است:

- انجام دادن عملی؛
- ترک عملی؛
- جمع کردن دو عمل؛ مانند جمع بین نماز ظهر و جمعه، جمع بین قصر و اتمام؛
- تکرار عمل؛ مانند به چند جهت نماز خواندن در جایی که قبله معلوم نیست؛
- ترک احتیاط؛ مثلاً در تسبیحات اربعه احتیاط این است که سه مرتبه گفته شود؛ اما در صورتی که وقت تنگ باشد و به علت سه مرتبه گفتن، بعض نماز خارج از وقت خوانده شود، احتیاط، بلکه لازم، ترک این احتیاط است (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم).^۳

۳. تقلید

۳.۱. آشنایی با اصطلاحات

۳.۱.۱. الفاظ دال بر فتوا

۱. بعید نیست.^۴
۲. الاقوی ذلک و ان لم یخل عن اشکال.^۵
۳. بنا بر اقوا.^۶

۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۳؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲؛
۲. سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۳ و تحریر المسائل، م ۹.
۳. عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳ و ۶۶.
۴. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۳۹؛ سیدموسی شبیری زنجان، توضیح المسائل مراجع، م ۷؛ جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج ۱، م ۴۸.
۵. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۰؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۳۷.
۶. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۳۹؛ سیدموسی شبیری زنجان، توضیح المسائل، م ۷؛ سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۴. یجب علی اشکال.^۱

۵. لا اشکال فیه.^۲

۶. اقوا.^۳

۷. اظهر آن است.^۴

۸. اقوا آن است.^۵

۹. حرام است.^۶

۱۰. جایز است، جایز نیست.^۷

الفاظ زیر فقط در جامع المسائل آیت الله فاضل ذکر شده است:

۱. محل اشکال، بل عدم الاعتبار لا یخلو من قوه.

۲. بعید است.

۳. لا تخلو من الاشکال و ان لا تخلو من قوه.

۴. لازم است.

۵. بنا بر اظهر.

۶. الاحوط کذا، بل لا یبعد ذلک.

۷. فیه نظر بل منع.

۸. محل نظر بل منع.

۹. بل الظاهر عدم.

۱۰. کفایتها لا تخلو عن قوه.

۱۱. لا یبعد.

۱۲. باید.

۱۳. فیه نظر بل منع.

۱۴. خالی از وجه نیست.

۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۳۱؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۳۱.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۵۰ و تحریر المسائل، م ۴۰.

۳. سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج ۱، تقلید، م ۴۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۳۱؛ سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۴. سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م ۷؛ سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۵. سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م ۷.

۶. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۷. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۱۵. بل لا یخلو عن قوه.
۱۶. الاشتراط لا یخلو عن وجه بل عن قوه.
۱۷. فيه اشكال بل منع.
۱۸. هو الاقرب.
۱۹. و ان كان فی غایة البعد
۲۰. یجب علی تأمل.
۲۱. ظاهراً.
۲۲. فی ثبوتها بالعدل الواحد اشكال بل منع.^۱

۳.۱.۲. احتیاط واجب

اگر دلیل مسئله‌ای شرعی، به‌طور صددرصد برای مجتهد روشن باشد، درباره آن مسئله به‌صراحت فتوا می‌دهد؛ ولی گاه به‌عللی از فتوا و نظردادن خودداری کرده و در مسئله احتیاط می‌کند. این عمل یا به‌جهت این است که دلیل مسئله به‌خوبی و به‌طور صددرصد برای او روشن نیست یا اینکه نظر او با همه یا بیشتر فقها تفاوت دارد و به‌منظور رعایت احتیاط و تقوا، به‌خلاف آنان فتوا نمی‌دهد و احتیاط می‌کند یا به‌جهت عوامل دیگری که در کتاب‌های استدلالی ذکر شده است. این نوع خودداری از فتوادادن را «احتیاط واجب» گویند. در این زمینه، مقلد یا باید به این احتیاط عمل کند یا به فتوای مجتهدی عمل کند که بعد از او اعلم است.

۳.۱.۲.۱. الفاظ دال بر احتیاط واجب یا در حکم احتیاط واجب

۱. محل تأمل.^۲
۲. محل اشكال.^۳
۳. فيه تأمل، فيه اشكال، المشهور کذا، قيل کذا.^۴
۴. خالی از اشكال نیست.
۵. هو مشکل.
۶. وجوبه مبني علی الاحتیاط.
۷. فيه اشكال، مشکل، لا یخلو من اشكال.^۵
۸. مشکل کذا.

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲ و ۳۹ و ۴۰ و ج ۲، س ۳۱ و ج ۱، س ۳۱.
 ۲. رساله مراجع، م ۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲.
 ۳. رساله مراجع، م ۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲.
 ۴. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۳۱؛ حسین وحید خراسانی و سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ ج ۱، تقلید، م ۳۱.
 ۵. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۵۰ و تحریر المسائل، م ۴۰.

۹. فی قوته اشکال.

۱۰. القوة ممنوعة.

۱۱. مشکل، فيه اشکال. ۱ اشکال دارد.^۲

۱۲. الاحوط وجوباً (احتياط واجب).^۳

۱۳. الاحوط لزوماً (احتياط لازم).^۴

۱۴. بنا بر احتياط، بنا بر احوط.^۵

این الفاظ در جامع/المسائل آیت الله فاضل ذکر شده است:

۱. مشکل و کذا فی الثانی بل هو اشد اشکالاً.

۲. محل تأمل و اشکال.

۳. لا یخلو من الاشکال.

۴. علی اشکال فیها.

۵. فی کفایت اشکال.

۶. و فی ایجاب لکذا اشکال و الاحوط کذا.

۷. فی اطلاقه اشکال.

۸. اشتراط هذا الامر مشکل.

۹. محل نظر و اشکال.

۱۰. تشکل صحتها.

۱۱. محل تأمل و الاحوط فيه الاعادة.

۱۲. العفو لا یخلو عن وجه.

۱۳. لا یخلو عن تأمل.^۶

هذا هو الاحوط لو لم یکن اقوی، لا یخلو من قرب (آیت الله سیستانی: در حکم احتياط واجب است).^۷

۱. سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۴۷ و تحریر المسائل، م ۴۰.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، تقلید، س ۳۱.

۳. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۸.

۴. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۸.

۵. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدیة العباد، ج ۱، م ۳۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳،

س ۳۹ و ۴۲ و ج ۲، س ۳۱ و ۳۳.

۶. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۳۹ و ۴۲ و ج ۲، س ۳۱ و ۳۳.

۷. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲؛ آیات عظام خویی و تبریزی؛ آیت الله فاضل، صراط النجاه، ج ۱، ص ۱۸، س ۲۱؛

آیت الله سیستانی، استفتای کتبی خصوصی.

- در احتیاط واجب، قبل از عمل و بعد از عمل می‌توان رجوع کرد. حالا این رجوع می‌تواند به فتوا باشد یا احتیاط واجب دیگر (با رعایت الاعلم فالاعلم) (حضرت امام و آیات عظام مکارم و سیستانی).^۱
- در احتیاط واجب مکلف می‌تواند به مجتهد دیگری که در مسئله احتیاط ندارد، بلکه فتوای صریح دارد، با مراعات الاعلم فالاعلم رجوع کند (امام خامنه ای).^۲

۳.۱.۲.۲. تفاوت «فتوای به احتیاط» با «احتیاط در فتوا»

فتوای به احتیاط این است که مجتهد دستور به احتیاط بدهد؛ مثلاً بگوید: «اگر دو ظرف آب وجود دارد و می‌دانی یکی از آن دو نجس است، اما نجس را نمی‌شناسی، باید احتیاط کرده و از هر دو اجتناب کنی.» ولی احتیاط در فتوا این است که مثلاً بگوید: «اکتفا به یک تسبیح اربعه در رکعت سوم و چهارم اشکال دارد و احتیاط این است که سه مرتبه بخوانی» (آیت‌الله مکارم).^۳

۳.۱.۳. احتیاط مستحب

در جایی است که مجتهد فتوای صریحی دارد؛ مثلاً گفته است یک بار تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کفایت می‌کند و با وجود آن احتیاط می‌کند و می‌گوید: «احتیاط این است که سه مرتبه بگویند.» این را «احتیاط مستحب» می‌گویند. عمل به این احتیاط واجب نیست؛ بلکه مستحب است.

۳.۱.۳.۱. احتیاط بعد از فتوا یا قبل از فتوا

اگر مجتهد اعلم بعد از اینکه در مسئله فتوا داده است، احتیاط کند، مثلاً بفرماید «ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می‌شود، اگرچه احتیاط این است که سه مرتبه بشویند» مقلد او نمی‌تواند در آن مسئله به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند؛ بلکه باید یا به فتوا عمل کند یا به احتیاط بعد از فتوا که آن را احتیاط مستحب می‌گویند؛ (مگر اینکه فتوای مجتهد دیگر نزدیک‌تر به احتیاط باشد) (حضرت امام و آیات عظام سیستانی،^۴ مکارم).^۵

۳.۱.۳.۲. الفاظ احتیاط مستحب

يجوز علی اشکال، يجوز علی تأمل (آیات عظام سیستانی و خویی و وحید).^۶

۱. و ان كان الاحتیاط لا ینبغی ترکہ. ۲. ینبغی (آیات عظام فاضل و گلپایگانی و صافی).^۱

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، م ۳۴؛ سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۲۴؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید از چند

مرجع، س ۷؛ سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، استفتائات تقلید، س ۵۶

۲. سیدعلی خامنه‌ای، تحریر المسائل، م ۳۹؛ حسین وحید خراسانی، مناسک حج، اصطلاحات، احتیاط واجب، ص ۳۵۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۳، س ۱۲، سایت، تقلید، اصطلاحات فقهی، س ۱۸.

۴. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۳۱.

۵. توضیح المسائل مراجع، م ۸؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوتقی، ج ۱، تقلید، م ۶۴؛ متن داخل پرنتر را آیات عظام محمدتقی

بهجت و ناصر مکارم شیرازی ندارند؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، اصطلاحات فقهی، س ۳.

۶. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۳۱.

الاولی و الاحوط کذا، الاحوط الاولی کذا (آیات عظام گلیپایگانی و صافی).^۲

۳.۱.۴. جاهل مقصر و جاهل قاصر

جاهل قاصر: کسی است که اصلاً ملتفت جهلش نیست یا اگر ملتفت باشد، به طرق رفع جهل، علم ندارد. جاهل مقصر: کسی است که ملتفت جهلش است و طرق ممکن رفع جهل را هم می‌داند؛ اما در پیمودن آن طرق کوتاهی می‌کند (امام خامنه ای).^۳

جاهل قاصر ممکن است در کنار حوزه‌های علمیه هم وجود داشته باشد و آن، کسی است که مسئله‌ای را اشتباه فهمیده است یا اصلاً به ذهنش نمی‌آمده که چنین مسئله‌ای وجود داشته باشد یا اهل مطالعه بوده و در مطالعه به خطا رفته است. همه این‌ها جاهل قاصر هستند (آیت‌الله مکارم).^۴

جاهل قاصر فردی است که از روی عذر، حکم شرعی را نمی‌داند و در فراگیری آن کوتاهی نکرده است و به تعبیر دیگر، کسی است که در ندانستن حکم شرعی معذور است و در فعل یا ترک چیزی به دلیل و حجتی استناد می‌کرده است؛ هرچند که خطای آن بعداً آشکار شود.

جاهل مقصر فردی است که امکان آموختن مسائل را داشته؛ ولی در فراگیری آن کوتاهی کرده است و به تعبیر دیگر، کسی است که در ندانستن حکم شرعی معذور نیست؛ مانند کسی که در آموختن مسائل دینی، سستی کرده باشد. فردی که در حکم شرعی عملی شک دارد و به فراگیری آن قادر نیست، وظیفه‌اش احتیاط است و چنانچه با امکان احتیاط، عمداً عمل مطابق با احتیاط را ترک کند، مقصر محسوب می‌شود و داخل در عنوان جاهل قاصر به حساب نمی‌آید؛ بلکه جاهل مقصر محسوب می‌شود (آیت‌الله سیستانی).^۵

مراد از علم اجمالی منجز

مراد از علم اجمالی، جایی است که مکلف به اصل تکلیف علم دارد؛ ولی مورد تکلیف (مکلف به) اجمال دارد و به تفصیل معلوم نیست. در این صورت چنانچه مصداق تکلیف یکی از دو امر متباین باشد، مانند نماز شکسته و نماز کامل، علم اجمالی منجز می‌شود و مکلف بنا بر احتیاط موظف می‌شود مطابق با احتیاط رفتار کند. برای مثال، مجتهد اول درباره نماز دانشجو در شهری که در حد مسافت شرعی از وطنش قرار دارد و آن را مقرّ دانشجویی خویش انتخاب کرده است، می‌فرماید: «در مقرّ مذکور نماز کامل است، هرچند فرد قصد ده روز نداشته باشد.» مجتهد دوم که مساوی یا در حکم مساوی با مجتهد اول محسوب می‌شود، می‌فرماید: «نماز شکسته است؛ مگر اینکه فرد قصد ده روز داشته باشد.»

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲، ش ۱۷؛ سید محمد رضا موسوی، هدایه العباد؛ لطف‌الله صافی گلیپایگانی، ج ۱، م ۳۷.

۲. سید محمد رضا موسوی و لطف‌الله صافی گلیپایگانی، هدایه العباد، ج ۱، م ۳۷.

۳. سید علی خامنه‌ای، تحریر المسائل، م ۳۸.

۴. سایت، تقلید، متفرقه.

۵. استفتای کتبی خصوصی (تصویر استفتا در پایان کتاب آمده است).

در این حال در ایامی که دانشجوی مذکور نمی‌خواهد ده روز در آنجا بماند، به‌هنگام اذان ظهر علم دارد که نماز ظهر بر او واجب است؛ ولی نمی‌داند نماز کامل واجب است یا نماز شکسته؛ از این رو اصل تکلیف برای او روشن است؛ ولی مورد تکلیف برایش مجمل است. در این فرض مراعات مقتضای احتیاط، این است که نماز ظهر را هم شکسته و هم کامل به جا آورد.

اما چنانچه مورد از مصادیق علم اجمالی نباشد، مثل جایی که مکلف به اصل تکلیف علم ندارد و اصل تکلیف مشکوک است، رعایت این احتیاط در فرض مسئله لازم نیست. برای مثال درباره مالی که به مکلف هدیه داده شده است و وی از آن تا انتهای سال خمسی‌اش استفاده نکرده است، مجتهد اول می‌فرماید: «مال مذکور خمس ندارد» و مجتهد دوم می‌فرماید: «مال مذکور خمس دارد». بنابراین مکلف در اصل تکلیف شک دارد. در این فرض چنانچه دو مجتهد مذکور در رتبه علمی و دقت نظر، مساوی یا در حکم مساوی باشند، آن‌چنان که توضیح آن در متن آمد، فرد می‌تواند از مجتهدی تقلید کند که می‌گوید هدیه خمس ندارد. از این رو لازم نیست مطابق با احتیاط عمل کند و خمس هدیه را بپردازد.

همچنین اگر مورد از مصادیق علم اجمالی باشد، ولی علم اجمالی منجز نباشد، رعایت احتیاط لازم نیست؛ مثل جایی که تکلیف، بین دو امری که اقل و اکثر هستند، مردد باشد. در این حالت دو مثال ذکر می‌شود:

۱. اگر مجتهدی بگوید: «بر نمازگزار واجب است تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم سه بار بگوید» و مجتهد دیگر بفرماید: «یک بار کافی است»، در این حال چنانچه دو مجتهد مذکور مساوی یا در حکم مساوی باشند، مکلف می‌تواند از مجتهدی تقلید کند که یک بار تسبیحات اربعه را کافی می‌داند.

۲. اگر مجتهدی بگوید: «در وضو، مسح پا از سر یکی از انگشتان تا برآمدگی روی پا کافی است» و مجتهد دیگر بگوید: «مسح پا از سر یکی از انگشتان تا برآمدگی روی پا کافی نیست و علاوه بر آن، باید روی پا تا مفصل مسح شود»، در این حال چنانچه دو مجتهد مذکور مساوی یا در حکم مساوی باشند، مکلف می‌تواند از مجتهدی تقلید کند که مسح پا را تا برآمدگی روی پا کافی می‌داند.

مراد از حجت اجمالی

مراد از حجت اجمالی جایی است که مکلف به اصل تکلیف علم و یقین ندارد؛ ولی اصل تکلیف به حجت شرعی بر عهده او ثابت است و مورد تکلیف (مکلف به) اجمال دارد و به تفصیل معلوم نیست.

حال چنانچه مورد تکلیف یکی از دو امر متباین باشد، مانند روزه گرفتن و صدقه دادن، حجت اجمالی منجز می‌شود و مکلف بنا بر احتیاط، موظف می‌شود که مطابق با احتیاط رفتار کند.

مثل اینکه فردی به حج مشرف شده و مُحَرَّم خاصی از محرمات احرام را در اثنای مناسک حج انجام داده است. حال دو مجتهد فتوا می‌دهند به اینکه فرد مذکور لازم است کفاره بدهد و کفاره مذکور هم براساس هر دو فتوا تعیینی است، نه تخیری. اما دو مجتهد در مقام تعیین نوع کفاره اختلاف دارند و در فتوای مستقل دیگری یکی از دو مجتهد می‌گوید:

«لازم است مکلف سه روز روزه بگیرد» و دیگری می‌گوید: «باید صدقه بدهد.» در این حالت چنانچه مورد کفاره از قطعیات فقهی نباشد، مکلف، به اینکه تکلیفی بر عهده او آمده است، یقین و علم ندارد؛ ولی براساس گفتار دو مجتهد که در رتبه علمی و دقت نظر مساوی یا در حکم مساوی هستند، اصل وجوب کفاره بر وی ثابت می‌شود؛ ولی نمی‌داند سه روز روزه است یا صدقه دادن به فقرا. از این رو مورد تکلیف برای او مجمل است. در این فرض، مراعات مقتضای احتیاط، این است که فرد، هم سه روز روزه بگیرد و هم صدقه بپردازد.

گفتنی است برای اینکه مثال مذکور از مصادیق حجت اجمالی محسوب شود، چنین فرض شده است که درباره کفاره مذکور سه دسته روایت رسیده باشد. دسته اول می‌گوید فلان محرم خاص از محرّمات احرام کفاره دارد. دسته دوم می‌گوید کفاره فلان محرم خاص از محرّمات احرام، فقط سه روز روزه گرفتن است. دسته سوم می‌گوید کفاره فلان محرم خاص از محرّمات احرام، فقط صدقه دادن است. در این حال دسته دوم روایات با دسته سوم روایات تعارض دارد و تساقط می‌کنند و دسته اول روایات اصل ثبوت کفاره را بر ذمه مکلف ثابت می‌کند (آیت الله سیستانی).^۱

۱. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، تقلید، م ۱۲.

۴. مسائل مربوط به مجتهد

۴.۱. مجتهد جامع الشرائط چه کسی است؟

از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده و زنده و عادل بوده و از مجتهدان دیگر اعلم^۱ باشد (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم)^۲.

۴.۱.۱. اختلاف فتاوا

۱. بنا بر احتیاط واجب باید از مجتهدی تقلید کرد که به دنیا حریص نباشد (حضرت امام، امام خامنه ای)^۳.
۲. بنا بر احتیاط واجب، عادل و زنده باشد و در مسائلی که مجتهدان اختلاف نظر دارند، باید از «اعلم» تقلید کند (آیت الله مکارم)^۴.
۳. حافظه متعارف داشته باشد (آیات عظام سیستانی)^۵.

۱. حضرت امام: «در صورت اختلاف بین فتوای اعلم و غیراعلم، علمیت شرط است.» آیت الله سیستانی: «در صورتی که اختلاف فتوای مجتهدان در مسائل محل ابتلا هر چند اجمالاً معلوم باشد، لازم است مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، اعلم باشد.» آیت الله ناصر مکارم شیرازی: «تقلید از اعلم در صورت امکان، واجب است زمانی که علم تفصیلی به مخالفت فتوای به اعلم و غیراعلم داشته باشیم یا علم اجمالی به مخالفت در موارد ابتلا داشته باشیم که در غیر این دو، تقلید غیراعلم جایز است. بنابراین در این صورت اخیر، دلیلی برای وجوب فحص از اعلم نیست و در دو صورت اول فحص واجب است.» امام خامنه ای: «در مسائلی که فتوای اعلم با فتوای غیراعلم اختلاف دارد، بنا بر احتیاط واجب از اعلم تقلید کند.»

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۲؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲؛ سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۲ و ۱۵ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۲ و توضیح المسائل آموزشی، تقلید، درس ۲، ص ۱۵؛ تحریر المسائل، م ۲۹.

۳. سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۲ و ۱۵ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۲؛ توضیح المسائل آموزشی، تقلید، درس ۲، ص ۱۵؛ تحریر المسائل، م ۱۹.

۴. توضیح المسائل، م ۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲ و ۲۹.

۵. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۶.

۴.۱.۲. به چه کسی عادل می‌گویند؟

۱. عادل کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود (امام خامنه ای).^۱
۲. عادل کسی است که کارهایی را که بر او واجب است، به جا آورد و کارهایی را که بر او حرام است، ترک کند (حضرت امام).^۲
۳. عادل کسی است که حالت خداترسی باطنی دارد که او را از انجام گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره باز می‌دارد (آیت‌الله مکارم).^۳
۴. عدالت عبارت است از استقامت عملیه در مسیر شرع که غالباً از ترس راسخ در نفس ناشی می‌شود (آیت‌الله سیستانی).^۴

۴.۱.۳. راه‌های ثابت شدن عدالت

۴.۱.۳.۱. یقین

- علم وجدانی یا اطمینانی که منشأ عقلانی داشته باشد؛ مانند اختبار (آیت‌الله سیستانی).^۵
- شهرتی که مفید علم یا اطمینان باشد (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم).^۶

۴.۱.۳.۲. بینة

- شهادت دو نفر عادل (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم).^۷

۴.۱.۳.۳. حسن ظاهر

- حسن ظاهر کاشف تعبدی است؛ به این معنا که شارع آن را راه تشخیص دانسته است؛ هرچند از آن برای مکلف، ظن یا علم به عدالت حاصل نشود (حضرت امام).^۸
- مراد از آن حسن ظاهر و حسن معاشرت و سلوک دینی است (امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم).^۹

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۳؛ تحریر المسائل، م ۲۰.

۲. توضیح المسائل، م ۲؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، تقلید، م ۲۸.

۳. توضیح المسائل، م ۳؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳.

۵. سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۰.

۶. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳.

۷. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳.

۸. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۷.

۹. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۵۶۲؛ تحریر المسائل، م ۲۰؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ (ج ۲، تقلید، سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳).

۴.۲. اعلیت مرجع تقلید

۴.۲.۱. اگر چند مجتهد مساوی باشند، تکلیف چیست؟

- اگر چند نفر در نظر مقلد، اهل علم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، از هریک از آنان می‌تواند تقلید کند (حضرت امام).^۱
- اگر یکی اوره بود، تقلید از او واجب است و اگر مساوی بودند، مخیر است مگر در مصادیق علم اجمالی منجز یا حجت اجمالی منجز در خصوص مسئله‌ای که بنا بر احتیاط واجب، باید در عمل جمع کند. (آیت الله سیستانی)^۲
- اگر دو مجتهد مساوی بودند، در صورتی که به اختلاف فتوای دو مجتهد علم داشته باشیم، به فتوای کسی عمل می‌کنیم که به احتیاط نزدیک‌تر باشد؛ وگرنه مخیر هستیم (آیت‌الله مکارم).^۳

۴.۲.۲. از چه راه‌هایی مجتهد اهل علم شناخته می‌شود؟

۱. خود انسان یقین کند؛ مثل اینکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اهل علم را بشناسد (اجماع).^۴
۲. دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اهل علم را تشخیص دهند، مجتهدبودن یا اهل‌بودن کسی را تصدیق کنند؛ به شرط اینکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند (حضرت امام و امام خامنه‌ای آیت الله مکارم).^۵
- ۱.۲. دو نفر عالم و عادل که می‌توانند مجتهد و اهل علم را تشخیص دهند، مجتهدبودن یا اهل‌بودن کسی را تصدیق کنند؛ به شرط اینکه دو نفر عالم و عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند. ظاهر این است که اجتهاد یا اعلیت کسی به گفته یک نفر که موثق باشد نیز ثابت می‌شود (آیت‌الله سیستانی).^۶
۳. عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اهل علم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهدبودن

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۴؛ سیدروح‌الله خمینی: بنابر احتیاط مستحب، از اوره تقلید کند و همچنین تبعیض در تقلید جایز است؛ حتی در احکام عمل واحد؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۳ و ۶۵؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۵؛ هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۱۳ و ج ۲، س ۴.

۲. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۸؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۳ و ۶۵.

۳. توضیح المسائل، م ۶؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۳ و ۶۵.

۴. توضیح المسائل مراجع، م ۳؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲۵؛ «احراز اجتهاد و اعلیت مرجع تقلید به وسیله امتحان یا تحصیل یقین، هرچند از شهرت مفید علم یا اطمینان یا با شهادت دو نفر عادل از اهل خبره صورت می‌گیرد»؛ تحریر المسائل، م ۲۹.

۵. توضیح المسائل، م ۳؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲۴ و ۲۵ و ۲۷؛ «اگر بینة شرعی بر اعلیت مجتهد جامع‌الشرایط اقامه شود، تازمانی که بینة شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بینة حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود؛ اگرچه موجب حصول علم یا اطمینان نباشد. در این صورت جست‌وجو از بینة معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.» و تحریر المسائل، م ۲۹ و ۳۰؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۹.

۶. توضیح المسائل، م ۳؛ منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ «اگر دو عادل با دو عادل دیگر معارضه کردند، قول کسی را اختیار می‌کنیم که خبره‌تر است؛ به حدی که موجب از بین رفتن شک حاصل از معارضه شود.»

و اعلم بودن کسی را تصدیق کنند (حضرت امام و آیت الله سیستانی).^۱

۳.۱. اجتهاد و اعلم بودن شخصی به حدی شایع باشد که از آن شیوع و شهرت، برای انسان علم یا اطمینان حاصل شود (حضرت امام و آیات عظام فاضل و مکارم).^۲

۳.۲. برای شناختن مجتهد حائز شرایط، باید خود مکلف اطمینان پیدا کند؛ چه از راه شهرت فراگیر مردم و چه از راه تجربه شخصی و چه از راه دیگر، یا باید دو نفر خبره عادل به این مطلب شهادت دهند؛ هرچند موجب اطمینان نشود (امام خامنه ای).^۳

اعلمیت از راه آزمایش هم ثابت می شود (حضرت امام).^۴

۴.۲.۳. اگر شناختن اعلم مشکل باشد، از چه کسی تقلید کنیم؟

• اگر شناختن اعلم مشکل باشد، به احتیاط واجب باید از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد؛ بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست، به احتیاط واجب باید از او تقلید کند (حضرت امام).^۵

• اگر اختلاف دو مجتهد یا بیشتر در مسائل محل ابتلا، هرچند اجمالاً معلوم باشد، ولی شناختن شخص اعلم میسر نباشد یا مساوی باشند، چنانچه اورعیت یکی از آن ها ثابت شود، باید از او تقلید کند و اگر اورعیت هم ثابت نشود، مخیر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق کند؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا حجت اجمالی بر تکلیف. در این صورت بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید هر دو فتوا را رعایت کند (آیت الله سیستانی).^۶

• هرگاه شناختن اعلم به طور قطع ممکن نشود، احتیاط این است از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد. در صورت شک میان چند مجتهد و عدم ترجیح آن ها، از هر کدام که بخواهد، می تواند تقلید کند (آیت الله مکارم).^۷

۴.۲.۴. تبعیض در تقلید

تبعیض یعنی تقلید را قسمت قسمت کردن و در هر قسمت از احکام، از مجتهد آن قسمت تقلید کردن.

اگر دو مرجع تقلید باشند که یکی مثلاً در عبادات و دیگری در معاملات اعلم باشند، در اینجا تبعیض در تقلید (فتوا یا

۱. توضیح المسائل، م ۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰.

۲. توضیح المسائل، م ۵؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۹.

۳. سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲۵.

۴. سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۹.

۵. توضیح المسائل، م ۴؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۱.

۶. منهاج الصالحین، ج ۱، ۱۴۳۰، م ۸؛ توضیح المسائل، م ۴؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۱.

۷. ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل جدید، ج ۴۵، م ۶؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۱ و استفتائات، ج ۱، س ۱۷ و ج ۲، س ۱۵ و سایت، تقلید از چند مرجع، س ۴.

احتیاط که بحث اعلم گذشت) واجب است (حضرت امام، امام خامنه ای، آیات عظام مکارم، سیستانی).^۱

۴.۳. مسائل مربوط به پاسخ گو

۴.۳.۱. وظیفه پاسخ گو در پاسخ گفتن

۴.۳.۱.۱. جواب دادن طبق مرجع خودش

۱. کسی که پاسخ گوی مسائل شرعی است، آیا می تواند مسائل را به صورت احتیاط، به مقلدان پاسخ دهد؟

۲. آیا پرسیدن نام مرجع تقلید ایشان لازم است؟

۳. آیا می تواند طبق نظر مرجع تقلید خودش جواب بدهد؟

۴. در صورتی که احتیاط، مثلاً موجب پرداخت خمس بیشتر شود، آیا حکم تفاوتی دارد؟

پاسخ ۱ و ۴: اگر بگویند احتیاط در این است که این گونه عمل کنید، اشکال ندارد.

پاسخ ۲ و ۳: اگر سؤال کننده نظر مرجع خاصی را نپرسیده است، در پاسخ می تواند طبق نظر مرجع تقلید خودش پاسخ دهد (مقام معظم رهبری).^۲

اگر مسئله ای از روحانی یا مسئله گو یا غیر آن پرسیده شود، لازم نیست مرجع تقلید مخاطب را جویا شود. می تواند براساس فتوای مرجع خود جواب دهد (آیت الله مکارم).^۳

۴.۳.۱.۲. وجوب ارشاد جاهل به حکم

اگر مسئله محل اختلاف نباشد، ولی احتمال داده شود شخصی که آن را مرتکب می شود، به حکم مسئله نادان باشد، ظاهر این است که امرونهی او واجب است؛ مخصوصاً اگر (در ندانستن حکم) مقصر باشد. احتیاط این است که اولاً او را به حکم مسئله ارشاد کند؛ آنگاه اگر به آن اصرار کرد، انکارش کند؛ مخصوصاً اگر (جاهل) قاصر باشد (حضرت امام).^۴

چنانچه فردی در مسئله ای، از حکم شرعی بی اطلاع باشد و به سبب ندانستن مسئله شرعی، واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب شود، در صورتی که فرد جاهل در صدد فراگیری است و احتمال تأثیر نیز وجود داشته باشد، ارشاد وی و یاد دادن مسئله شرعی به او واجب است؛ مگر در هنگام عسر و حرج تحمل ناپذیر یا ضرر چشمگیر.

بنابراین، کسی که نمی داند استفاده از انگشتر طلا بر مرد حرام است یا گوش دادن به موسیقی لیهوی و غنا حرام است

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۴۷؛ سید روح الله خمینی: «بنا بر احتیاط لازم واجب است»؛ سید علی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد تقی بهجت، *استفتائات*، ج ۱، تقلید، س ۱۵۲؛ ناصر مکارم شیرازی، *استفتائات*، ج ۳، س ۱۶ و ۱۷. سید علی خامنه ای، *رساله آموزشی*، تقلید، ص ۱۷ و *اجوبه الاستفتائات*، س ۱۸ و *تحریر المسائل*، م ۲۸.

۲. سید علی خامنه ای، *استفتای خصوصی*، کد رهگیری: ۹۳۲۲۱۸۴۱.

۳. ناصر مکارم شیرازی، *سایت*، تقلید، راه های دستیابی به فتوای مجتهد، س ۳.

۴. سید روح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۱، کتاب امر به معروف، القول فی شرایط وجوبهما، م ۳.

یا دست‌دادن و مصافحه با نامحرم هرچند از خویشاوندان باشد، حرام است یا نمی‌داند نماز آیات در وقت زلزله واجب است یا پوشش قدم پای زن در مقابل نامحرم واجب است و به سبب جهل به حکم شرعی و ندانستن مسائل محل ابتلاش احکام مذکور را رعایت نمی‌کند، ارشاد او با جمع‌شدن شروط بالا واجب است. والله العالم (آیت‌الله سیستانی).^۱

ارشاد جاهل در واجبات و محرمات واجب است (آیت‌الله مکارم).^۲

۴.۳.۱.۳. وجوب ارشاد جاهل به موضوع

اگر فاعل به موضوع جاهل باشد، نه انکار او و نه برطرف کردن جهل او واجب نیست؛ مثل اینکه نماز را از روی غفلت یا فراموشی ترک کند یا مایع مست‌کننده‌ای را از باب اینکه موضوع را نمی‌داند (که مست‌کننده است) بنوشد. ولی اگر مطلب از چیزهای بااهمیت باشد و مولا مطلقاً به فعل یا ترک آن رضایت نداشته باشد، واجب است آن را برپا دارد و او را امر یا نهی کند؛ مانند قتل نفس محترمه (حضرت امام).^۳

ارشاد جاهل در موضوعات لازم نیست؛^۴ مگر در جایی که احراز شود شارع مقدس به وقوع آن کار هرچند درباره جاهل به موضوع رضایت ندارد؛ مثل اشتباه کسی که قتل او حرام است، با کسی که قتل او جایز است (آیات عظام مکارم، سیستانی).^۵

۴.۳.۲. عوض شدن فتوای مجتهد

- اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود، لازم نیست به او خبر دهد که فتوای ایشان عوض شده است (حضرت امام و آیت الله سیستانی).^۶
- در صورت تغییر فتوای مرجع تقلید، احتیاط واجب این است که اگر اطلاع پیدا کرد، اطلاع دهد (آیت‌الله مکارم).^۷
- پرسش: با توجه به اینکه طی استفتایی فرموده بودید اعلام تغییر فتوا احتیاط واجب است، می‌خواستم بدانم چرا در مسئله ۱۵ رساله، اعلام تغییر فتوا را لازم ندانسته‌اید. پاسخ: هرگاه تغییر فتوا به سبب خطا باشد، باید اعلان کند؛ اما اگر طبق موازین، خطایی سر نزده، بلکه مدارک جدیدی پیدا کرده است و فتوای او تغییر کرده، اعلام

۱. استفتای کتبی خصوصی.

۲. استفتای کتبی خصوصی.

۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب امر به معروف، القول فی شرائط وجوبهما، م ۳.

۴. برای مثال، وقتی فردی اطلاع ندارد لباسش نجس است و با لباس مذکور نماز می‌خواند یا فردی می‌داند باید رو به قبله نماز بخواند، اما اشتبهاً به سمتی نماز می‌خواند که قبله نیست، بر دیگری که از این امر مطلع است، لازم نیست وی را آگاه کند.

۵. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، لزوم فراگیری احکام، س ۲؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، امر به معروف و نهی از منکر، القول فی شرائطها، الرابع.

۶. توضیح المسائل مراجع، م ۱۳؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸؛ سیدروح‌الله خمینی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند»؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله: «باید به هر کسی که از او یاد گرفته است، اطلاع دهد»، ج ۱، تقلید، م ۳۰؛ منهاج الصالحین، سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۷؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸ و ۴۸؛ سیدعلی سیستانی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند».

۷. ناصر مکارم شیرازی، سایت، راه‌های دستیابی به فتوای مرجع، س ۱.

آن لازم نیست (آیت‌الله مکارم).^۱

۴.۳.۳. اشتباه گفتن فتوای مجتهد

- در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی، اجازه داشتن شرط نیست؛ ولی کسی که دچار خطا می‌شود، جایز نیست متصدی این کار شود و اگر در مسئله‌ای اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه کند. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا به صحت گفتار گوینده اطمینان پیدا نکرده است، به نقل او عمل کند (امام خامنه ای).^۲
- اگر شخصی فتوای مجتهد را اشتباه بگوید، باید به هر کسی که از او یاد گرفته است، اطلاع دهد (حضرت امام).^۳
- اگر کسی فتوای مجتهدی را به شخص دیگری بگوید و بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است و گفته او موجب آن می‌شود که آن شخص به خلاف وظیفه شرعی اش عمل کند، باید بنا بر احتیاط لازم اشتباه را برطرف کند (آیت الله سیستانی).^۴
- هرگاه کسی در نقل فتوای مجتهدی اشتباه کرده است، باید بعد از اطلاع، صحیح آن را بگوید و اگر در منبر و سخنرانی گفته است، باید آن را در جلسات مختلف تکرار کند تا کسانی که به اشتباه افتاده‌اند، از اشتباه در آیند. اما اگر فتوای آن مجتهد تغییر کرده است، اعلام تغییر بر او لازم نیست (آیت‌الله مکارم).^۵

۴.۴. مسائل مربوط به مقلد

۴.۴.۱.۱. اعمالی که بدون تقلید انجام داده‌ایم

- اگر اعمال، موافق احتیاط یا مطابق با واقع یا با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند، محکوم به صحت است (امام خامنه ای).^۶
- اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده است یا با فتوای

۱. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، لزوم فراگیری احکام، س ۴.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲۸ و تحریر المسائل، م ۳۲.

۳. توضیح المسائل/مراجع، م ۱۳؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸ و ۴۸؛ سیدروح‌الله خمینی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند» (تحریر الوسيله، ج ۱، تقلید، م ۳۰)؛

۴. توضیح المسائل، م ۱۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۷؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸ و ۴۸؛ سیدعلی سیستانی و سیدابوالقاسم خویی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند.»

۵. توضیح المسائل، م ۱۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸ و ۴۸؛ آیت‌الله مکارم: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند.»

۶. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۷ و تحریر المسائل، م ۱۸.

مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، مطابق باشد (حضرت امام)^۲.

- اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، سپس از مجتهدی تقلید کند، در صورتی که آن مجتهد به صحت اعمال گذشته حکم کند، آن اعمال صحیح است؛ وگرنه محکوم به بطلان است (آیت‌الله مکارم)^۳.
- اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، چنانچه اعمال او مطابق با واقع یا فتوای مجتهدی باشد که اکنون می‌تواند مرجع او باشد، صحیح است. در غیر این صورت، اگر جاهل قاصر بوده و نقص عمل از جهت ارکان و مانند آن نبوده است، عمل صحیح است. همچنین است اگر جاهل مقصر بوده است و نقص عمل از جهتی بوده است. این اعمال نیز در صورت جهل، صحیح است؛ مانند جهر به جای اخفات یا به عکس. همچنین اگر کیفیت اعمال گذشته را نداند، محکوم به صحت است؛ به جز در بعضی مسائل که در *منهاج الصالحین*، مسئله ۲ و ۱۱، تفصیل آن بیان شده است (آیت‌الله سیستانی)^۴.

۴.۴.۱.۲. رجوع قهری احتیاط واجب بدون نیت رجوع

پرسش: اگر اعلم در مسئله‌ای فتوا نداده و تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالاعلم، آن احتیاط را ندارد، آیا لازم است مقلد اعلم، بداند مرجعش احتیاط واجب کرده است و باید نیت رجوع به فالاعلم کند یا همین که در مقام انجام وظیفه شرعی بوده و عملش طبق فتوای فالاعلم است، کافی است؟ به عبارت دیگر اگر اعلم مثلاً در احرام از مکه قدیم احتیاط واجب دارد، ولی فالاعلم چنین احتیاطی ندارد و مقلد اعلم، از مکه جدید محرم شده و بعد از اعمال حج، فهمیده است که اعلم چنین احتیاطی داشته، آیا عملش صحیح است؟ اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

پاسخ:

اگر عمل او در هنگام صدور از وی مطابق با فتوای کسی بوده است که شرعاً می‌توانست از او تقلید کند، صحیح و مجزی است (امام خامنه‌ای).

اگر با فتوای کسی که می‌تواند از او تقلید کند، مطابقت داشته باشد، الان می‌تواند به او رجوع کند (آیت‌الله سیستانی). بعد از اعمال حج، به فالاعلم رجوع می‌کند و چون عمل گذشته او با آن هماهنگ است، اعاده لازم نیست (آیت‌الله مکارم)^۵.

۱. فتاوی مراجع فوت شده در مسئله بقا، از درجه اعتبار ساقط است. بقا باید با اجازه مرجع زنده باشد.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۷؛ سید روح الله خمینی، م ۱۴؛ *استفتائات*، ج ۱، تقلید، س ۵۷ و ۱۸ و ۳۲ تا ۳۳.

۳. *توضیح المسائل*، م ۱۴؛ ناصر مکارم شیرازی، *استفتائات*، ج ۱، س ۱۵؛ سایت، تقلید، عمل بدون تقلید، س ۱ و ۴ و ۸.

۴. *توضیح المسائل*، م ۱۲ و *منهاج الصالحین*، ج ۱، تقلید، م ۲؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۴۰.

۵. *مناسک حج*، ج ۳، ۱۳۹۱، احکام تقلید، فتاوی آیات عظام سیستانی، مکارم؛ *مناسک حج*، ج ۳، ۱۳۸۶، احکام تقلید، م ۱۳۵۹، فتاوی مقام معظم رهبری.

۴.۴.۲. راه‌های دستیابی به فتوای مجتهد

۱. شنیدن از خود مجتهد (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم: یا ملاحظه دست خط او).^۱
۲. شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی).^۲
۳. شنیدن از کسی که مطمئن و راست‌گوست (امام خامنه ای).^۳
- شنیدن از کسی که معتمد است (آیت‌الله مکارم).^۴
- شنیدن از کسی که موثق است و به گفته‌اش اطمینان است (حضرت امام، آیت الله سیستانی).^۵
۴. دیدن در رساله مجتهد در صورتی که انسان به درستی آن رساله اطمینان داشته باشد (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم).^۶
۵. مشهوربودن در میان مردم به‌طوری که سبب اطمینان شود (آیت‌الله مکارم).^۷

۴.۴.۲.۱. وظیفه مقلد، در صورتی که مرجع در مسئله‌ای فتوا نداشته باشد

- در مسائلی که مجتهد اعلم فتوا ندارد، رجوع به مجتهدی که در آن مسئله احتیاط نکرده است و فتوای صریح دارد، با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم اشکال ندارد (امام خامنه ای).^۸
- هرگاه اعلم در مسئله‌ای فتوا نداشت، اخذ فتوای غیراعلم با رعایت الاعلم فالاعلم جایز است؛ هرچند احتیاط ممکن باشد (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم).^۹

۴.۴.۳. مسائلی که یادگرفتن آن‌ها واجب است

- مکلف باید مسائلی را که انجام تکالیف شرعی روزمره، به دانستن آن وابسته است، فرا بگیرد؛ مانند مسائل اصلی

-
۱. توضیح المسائل مراجع، م ۵؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ ناصر مکارم شیرازی، م ۷؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲۵؛ تحریر المسائل، م ۳۱؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۱.
 ۲. توضیح المسائل مراجع، م ۵؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲۵ و تحریر المسائل، «یا عادل واحد»، م ۳۱؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۱.
 ۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲۵؛ تحریر المسائل، م ۳۱.
 ۴. ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۷.
 ۵. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ سیدعلی سیستانی؛
 ۶. توضیح المسائل مراجع، م ۵؛ ناصر مکارم شیرازی، م ۷؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲۵؛ تحریر المسائل، م ۳۱؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛
 ۷. توضیح المسائل، م ۷.
 ۸. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۸.
 ۹. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۴؛ سیدعلی سیستانی: «یا استعلام فتوا حین ابتلا برای مکلف ممکن نباشد»؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۷؛ ناصر مکارم شیرازی: «ندانستن فتوا هم مانند همین است»؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۴؛

نماز و روزه و طهارت و برخی معاملات و غیر آن. اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بینجامد، گناهکار است (امام خامنه ای).^۱

- مسائلی را که انسان غالباً به آن‌ها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی).^۲

- بر هر مکلفی واجب است اجزا و شروط و موانع و مقدمات عبادات را هرچند اجمالاً بداند (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم).^۳

- یادگرفتن مسائل شک و سهو به مقداری که غالباً محل ابتلاست، واجب است؛ ولی اگر مطمئن باشد^۴ که به شک و سهو مبتلا نمی‌شود، عملش صحیح است؛ هرچند به احکام شک و سهو علم پیدا نکرده باشد (حضرت امام و آیت‌الله مکارم).^۵

- یادگیری اجزای عبادات واجب و شروط آن‌ها واجب است و علم اجمالی به اینکه عباداتش تام‌الاجزاء و الشرایط است، کفایت می‌کند و علم تفصیلی لازم نیست. یادگرفتن مسائل شک و سهوی که در معرض ابتلای مکلف است، واجب است (آیت الله سیستانی).^۶

۴.۴.۳.۱. حکم جاهل بودن به مسئله‌ای که در نماز اتفاق می‌افتد

هرگاه برای مکلف در اثنای نماز مسئله‌ای پیش بیاید که حکم آن را نمی‌داند و تمکن از استعلام ندارد، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال آن را می‌دهد، عمل کند و نماز را به آخر برساند؛ ولی پس از نماز باید مسئله را بپرسد و اگر آنچه عمل کرده است، موجب بطلان نمازش شده باشد، نماز را دوباره بخواند (امام خامنه ای).^۷

هرگاه بین نماز مسئله‌ای اتفاق افتاد که حکم آن را نمی‌داند، جایز است که بنا را بر یکی از دو طرف گذارد اگر آنچه عمل کرده است، برخلاف واقع باشد، اعاده کند. پس هرگاه چنین کرد و اتفاقاً آنچه عمل کرده است، مطابق با واقع شد، بر او اعاده واجب نیست (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی).^۸

۱. رساله آموزشی، درس ۱، ص ۱۱ و اجوبه الاستفتائات، س ۶ و تحریر المسائل، م ۱.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۱۱؛ سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۹۵ و ۷۳؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۲؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۱۹؛

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۷؛

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۸.

۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۸؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۳.

۶. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۱۹ و ۱۸؛ منهاج الصالحین، سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۸.

۷. سیدعلی خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۱، ص ۲۰، تحریر المسائل، سیدعلی خامنه‌ای، م ۳۷.

۸. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۹؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۳۱؛

۴.۴.۴. تقلید بجه ممیز

۴.۴.۴.۱. تقلید صبی

- تقلید بجه ممیز صحیح است؛ بنابراین چنانچه بجه نابالغ ممیز از مجتهدی تقلید کند، سپس آن مجتهد قبل از بلوغش فوت کند، حکم تقلید وی مانند سایر بالغان است (امام خامنه ای).^۱
- تقلید بجه ممیز صحیح است؛ بنابراین چنانچه بجه نابالغ ممیز از مجتهدی تقلید کند، سپس آن مجتهد قبل از بلوغش فوت کند، حکم تقلید وی مانند سایر بالغان است؛ مگر درباره علم اجمالی منجز که در بحثی با عنوان «اگر چند مجتهد مساوی باشند، تکلیف چیست؟» بیان شد (آیت الله سیستانی).^۲

۴.۴.۵. عبادت جاهل قاصر و مقصر

- عمل جاهل مقصر ملتفت بدون تقلید باطل است؛ مگر اینکه هرچه می کرده است، به امید درک واقع کرده باشد و مطابق واقع یا مطابق فتوای مجتهدی هم انجام داده باشد که تقلید از او جایز است. همچنین عمل جاهل قاصر یا مقصر غافل، اگر قصد قربت داشته است، صحیح است؛ به شرطی که مطابق واقع یا با فتوای مجتهدی باشد که تقلید از او جایز است (حضرت امام).^۳
- عمل جاهل مقصر ملتفت در صورتی که موافق واقع باشد، صحیح است. این صحت به دلیل این است که آن عمل، به قصد قربت نیاز نداشته است و اگر به قصد قربت نیاز داشته، قصد قربت حاصل شده است؛ همچنان که این مسئله برای بعضی از عوام، اتفاق می افتد؛ زیرا تقلید، مانند اجتهاد، فقط طریقی است. مطالبی که ذکر شد، برای زمانی است که شخص، عالم به واقع باشد؛ در غیر این صورت، طریق به واقع، نظر مجتهدی است که اکنون باید از او تقلید کند؛ پس به درستی که حکم آن مرجع برای او منجز است؛ حتی در خصوص حکم قضای اعمال گذشته (آیت الله مکارم).^۴
- عمل جاهل (همه اقسام جاهل) در صورتی که به مطابقت آن با واقع یا با فتوای مجتهدی که اکنون^۵ باید از او تقلید کند، علم پیدا کند، به آن اکتفا می شود؛ بلکه همین حکم در جایی که در مطابقت آن عمل با واقع شک دارد، جاری است. این حکم به علت این است که در کیفیت عملی که از او صادر شده است، شک دارد. مگر در بعضی جاها؛ مانند جایی که مکلف بنایش بر مانعیت جزء یا شرطی بوده است و احتمال می دهد آن جزء یا شرط را غفلتاً اتیان کرده باشد. در همین جا هم در صورتی که بر آن مخالفت، اثری غیر از وجوب قضا مترتب

۱. سیدعلی خامنه ای، م ۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۵ و استفتائات، ج ۲، س ۳۷.

۲. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۵.

۳. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۳۲؛ سیدروح الله خمینی و سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶.

۴. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶.

۵. مطابقه مع فتوی من یجب تقلیده حین النظر.

نباشد، به وجوب قضا حکم نمی‌شود و به همان عمل قبلی اکتفا می‌شود (آیت‌الله سیستانی).^۱

۴.۴.۶. وظیفه انسان تا زمان انتخاب مرجع

بر هر شخصی در زمان جست‌وجو برای انتخاب مرجع واجب است در اعمالش احتیاط کند (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم: یا احوط اقوال را اخذ کند).^۲

۴.۴.۷. وظیفه وکیل و وصی در انجام اعمال

۴.۴.۷.۱. وکیل و اجیر و وصی چگونه اعمال خود را انجام دهند؟

• کسی که از طرف غیر برای انجام کاری از قبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، در صورت اختلاف فتوای وکیل و موکل، باید این اعمال را مطابق تقلید موکل خود انجام بدهد، نه مطابق تقلید خودش. اما اگر از ناحیه وصی یا ولی اجیر شده باشد که نماز یا عبادتی نظیر آن را به نیابت از میت انجام دهد، اقوا این است که مراعات تقلید خود را بکند، نه تقلید میت و نه تقلید وصی یا ولی را (حضرت امام).^۳

• کسی که از طرف غیر برای انجام کاری از قبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، بر او واجب است که آن عمل را مطابق تقلید موکل خود انجام دهد، نه تقلید خودش؛ البته در جایی که وکیل شرعاً در قبال نفس عمل خارجی یا در قبال آثار عمل مسئول نباشد.^۴ در غیر این صورت، باید مراعات فتوای هر دو مرجع را بکند. در وصی هم حکم همین است (آیت‌الله سیستانی).^۵

• شکی نیست در اینکه موکل و موصی در این خصوص، طبق نظر مراجع خودشان عمل می‌کنند؛ زیرا هر دوی آن‌ها مأمور به نتیجه هستند؛ اما طریق رسیدن به آن نتیجه، به تشخیص خودشان موکول است؛ مگر اینکه

۱. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۱۶؛

۲. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۵۰؛ سیدروح‌الله خمینی: «بر مکلف عامی واجب است در زمانی که مشغول فحش و پیدا کردن مجتهد یا تشخیص اعلم است، به احتیاط عمل کند و در فرض دوم که در حال جست‌وجو از اعلم است، کافی است فتوای چند مجتهد محتمل‌الاعلمیه را به دست آورد و در آن‌ها احتیاط کند؛ یعنی به آن فتوایی عمل کند که به احتیاط نزدیک باشد» (تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۹، استفتائات و ج ۱، تقلید، س ۲۱).

۳. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۵۴؛ سیدروح‌الله خمینی؛ سیدروح‌الله خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۱، م ۳۲ و استفتائات، ج ۱، س ۴۵.

۴. مثال نفس عمل خارجی: مرجع موکل، فروش چک به شخص ثالث را حلال می‌داند؛ اما مرجع وکیل آن را حرام می‌داند. در اینجا وکیل نمی‌تواند چک موکل را به شخص ثالث بفروشد. مثال آثار عمل خارجی: اگر پسر پدر خویش را وکیل در امر ازدواج کند و مرجع موکل عقد به فارسی را صحیح بداند، اما مرجع وکیل صحیح نداند، در اینجا اگر وکیل (پدر) عقد را به فارسی بخواند، نمی‌تواند آثار حریمیت را بر همسر فرزندش بار کند؛ زیرا هر چند خواندن عقد به فارسی اشکالی ندارد، این عقد به نظر مرجع تقلید وکیل باعث ایجاد علقه زوجیت برای موکل نمی‌شود؛ از این رو آثار زوجیت بار نمی‌شود.

۵. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۵۴؛ سیدعلی سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۱، م ۲۴.

موکل و موصی طریق خاصی را معین کنند. در این صورت واجب است طبق همان انجام شود (آیت الله مکارم).^۱

۴.۴.۸. وظیفه مکلف در عقود در جایی که فتوای مرجع طرفین مختلف است

۴.۴.۸.۱. اگر در عقود، فتوای مرجع تقلید دو طرف متفاوت بود

اگر بایع، مقلد مرجعی باشد که مثلاً به صحت معاطات یا صحت عقد به فارسی قائل است و مشتری، مقلد مرجعی باشد که به بطلان قائل است، بیع برای بایع، صحیح و برای مشتری باطل است (حضرت امام، امام خامنه ای و آیات عظام مکارم، سیستانی).^۲

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، م ۵۴؛ ناصر مکارم شیرازی.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۵۵؛ سید علی خامنه ای، استفتای خصوصی، استفتای ۲۵، کد رهگیری: ۲۵۶۵۲۶۶۰.

۵. مسائل مربوط به فوت مجتهد

۵.۱.۱. حکم بقا بر تقلید میت

۱. زنده اعلّم است

۱. بنا بر احتیاط واجب بقا جایز نیست (امام خامنه ای).^۱

۲. بقا جایز نیست (آیات عظام مکارم، سیستانی)^۲

۲. مرده اعلّم است

۱. بقا جایز است (حضرت امام و امام خامنه ای).^۳

۲. بقا واجب است (آیات عظام مکارم، سیستانی).^۴

۳. هر دو مساوی باشند

۱. بقا جایز است (امام خامنه ای، آیت الله مکارم).^۵

۲. بقا جایز است؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف، مانند

اختلاف در قصر و اتمام که بنا بر احتیاط لازم احتیاط کند (آیت الله سیستانی).^۶

۴. نمی دانیم کدام اعلّم است. ممکن است باهم مساوی باشند یا نباشند و احتمال اعلّمیت درباره هر دو مجتهد یکسان است. مانند صورت تساوی است (آیت الله سیستانی).^۷

۵.۱.۱.۱. دامنه بقا

در صورتی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده است، بعد از مردن آن مجتهد می تواند در همه مسائل از

۱. امام خامنه ای، استفتای خصوصی، ۱۷، کد پیگیری: ۳۷۹۱۷۸۳۸.

۲. سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ۸ و منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، ۷؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۴ و ج ۲، س ۶ و ج ۳، س ۱۵ و سایت، بقای بر تقلید میت، س ۲.

۳. سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، ۹؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، ۱۲ و استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۲۰ تا ۲۳؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۳۵؛ تحریر المسائل، م ۱۳ و ۱۴، «احتیاط مستحب بقای بر تقلید میت اعلّم است»، استفتای خصوصی، ۱۷، کد پیگیری: ۳۷۹۱۷۸۳۸.

۴. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، ۷ و توضیح المسائل، ۸؛

۵. سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، ۹؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۳۵ و تحریر المسائل، م ۱۳؛ استفتای خصوصی، ۱۷، کد پیگیری: ۳۷۹۱۷۸۳۸.

۶. منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، ۸ و توضیح المسائل، ۷.

۷. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، ۷ و ۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۷ و استفتائات، ج ۱، س ۲۶ و ۲۷؛ منهاج الصالحین، حسین وحید خراسانی، ج ۲، ۷؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، ۷؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۱۱۹.

او تقلید کند. در این صورت فرقی بین مسائلی که عمل کرده و مسائلی که عمل نکرده است، وجود ندارد (حضرت امام و امام خامنه ای).^۱

در مسائلی که عمل کرده یا اخذ فتوا برای عمل کرده است، بقا جایز^۲ است (آیت الله مکارم).^۳ در صورتی که به متابعت از فتوای مجتهد فوت شده التزام داشته است، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است و فرقی بین مسائل عمل کرده و عمل نکرده نیست (آیت الله سیستانی).^۴

۵.۱.۲. بقا بر میت، بدون رجوع به زنده

اگر شخصی بر تقلید میت باقی باشد، بدون اینکه در این مسئله به مجتهد زنده رجوع کرده باشد، عمل این شخص مانند کسی است که بدون تقلید، اعمالی را انجام داده است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم).^۵

۵.۱.۳. اجازه بقا بر میت با فوت مرجع دوم

• اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند، او نیز از دنیا برود و به ناچار در مسئله بقا بر تقلید میت از مجتهد سوم تقلید کند، اگر فتوای او این باشد که بقا واجب است، بر تقلید مجتهد اول باقی می ماند و اگر فتوایش این باشد که بقا جایز است، مکلف مخیر است بین بقای بر تقلید مجتهد دوم و بین رجوع به مجتهد زنده (حضرت امام).^۶

• اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه در بعضی از مسائل از مجتهد دیگری تقلید کند، سپس مجتهد دیگر نیز بمیرد، مکلف می تواند در مسائلی که از مجتهد اول عدول نکرده است، بر او باقی بماند و در مسائلی که به دومی عدول کرده است، بین بقا بر دومی یا عدول به مجتهد زنده مخیر است (امام خامنه ای).^۷

• اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند که به جواز عدول به حی یا وجوب عدول مطلقاً یا در خصوص فتاوایی که از مرجع اول یاد نگرفته است، قائل است، پس به زنده عدول کرد و بعد از آن این مرجع هم فوت کرد، در اینجا در مسئله بقا بر میت، باید از اعلم احیا تقلید کرد. نظر ما این است که در صورت علم به اختلاف فتاوا بین آنان، باید از اعلم این سه مرجع تقلید کرد؛ مانند

۱. سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، م ۹؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۴۱؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۱۲؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۹ و هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۶

۲. در فرضی که مجتهد متوفی اعلم است، بقا واجب است.

۳. ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۰ و استفتائات، ج ۱، س ۴۰۲ و ج ۳، س ۱۵.

۴. سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۸.

۵. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۲؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید ۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۳، سایت، بقای بر تقلید، میت، س ۵.

۶. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۴؛ سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۱

۷. سیدعلی خامنه ای، تحریر المسائل، م ۱۷.

اینکه اگر مجتهد اول اعلم باشد، باید به او عدول کرد و بر او باقی ماند (آیت‌الله سیستانی).^۱

- اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند او نیز از دنیا برود و در مسئله بقای بر تقلید میت از مجتهد سوم تقلید کند، اگر فتوای او این باشد که بقا واجب است، بر تقلید مجتهد دوم باقی می‌ماند و اگر فتوایش این باشد که بقا جایز است، مکلف مخیر است بین بقا بر تقلید مجتهد دوم و بین رجوع به مجتهد زنده (آیت‌الله مکارم).^۲

۵.۲. تقلید ابتدایی میت

جایز نیست (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، امام خامنه ای : بنا بر احتیاط واجب).^۳

۵.۳. اجازه و اذن و وکالت، بعد از فوت

۵.۳.۱. اذن و وکالت مجتهد بعد از فوت

کسی که از طرف مجتهدی وکیل یا مأذون در تصرف در اوقاف یا وصیت‌ها یا تصرف در اموال افراد قاصر است، با مرگ آن مجتهد منحل می‌شود (و وکالت و اذن که داشت، باطل می‌شود)؛ اما اگر از ناحیه او منصوب بوده باشد، مثلاً مجتهد او را به تولیت اوقافی نصب یا وی را قیم بر فردی قاصر کرده باشد، بعید نیست بگوییم با مرگ مجتهد منحل نمی‌شود؛ ولی سزوار این است که احتیاط کند؛ یعنی از مجتهد زنده اجازه یا نصبی جدید تحصیل کند (حضرت امام و آیت الله مکارم).^۴

اجازه مجتهد و وکالت در تصرف اوقاف و اموال قاصران، بعد از فوت او باطل می‌شود و بنا بر اظهار، کسانی که از جانب او منصوب می‌شوند، عزل می‌شوند (آیت الله سیستانی).^۵

۱. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۶.

۲. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۱؛ ناصر مکارم شیرازی.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، «بنا بر احتیاط واجب»، س ۲۲ و تحریر المسائل، م ۱۳؛ سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، م ۹ و تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۶.

۴. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۵؛ سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۱؛ مکارم شیرازی.

۵. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۵؛ «بنا بر احتیاط واجب، کسانی که از جانب وی منصوب می‌شوند، عزل می‌شوند»؛ سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۱؛

۶. عدول از مجتهد زنده به مجتهد زنده دیگر در مسائل اختلافی

۱. به اعلم: بنا بر احتیاط واجب است (حضرت امام و امام خامنه ای).^۱
 - به اعلم: واجب است (آیت الله سیستانی).^۲
۲. به غیراعلم: بنا بر احتیاط جایز نیست (حضرت امام و امام خامنه ای).^۳
 - به غیراعلم: جایز نیست (آیات عظام سیستانی، مکارم).^۴
۳. به مساوی،
 - ۱. بنا بر احتیاط واجب جایز نیست (حضرت امام و امام خامنه ای).^۵
 - ۲. تغییر مرجع تقلید در مسائلی که به فتوای او عمل کرده است، جایز نیست؛ مگر اینکه ثابت شود مرجع جدید از مرجع فعلی او اعلم است؛ اما می تواند در مسائلی که هنوز به فتوای مرجع تقلیدش عمل نکرده است، از مرجع دیگری که هم ردیف او است، تقلید کند (آیت الله مکارم).^۶
 - ۳. جایز است؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف؛ مانند اختلاف در قصر و اتمام. در این اختلاف باید بنا بر احتیاط لازم، احتیاط کند (آیت الله سیستانی).^۷

۱. سیدعلی خامنه ای، *اجوبه الاستفتائات*، س ۴۵ و ۴۴؛ سیدروح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، تقلید، م ۱۳؛ *آموزش فقه*، ص ۲۶؛ *وسیله النجاه*، تقلید، م ۱۳ و ۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۱۱ و ۱۲ و ۳۴.

۲. سیدعلی سیستانی، ج ۱، تقلید، م ۱۰؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۱۱.

۳. سیدعلی خامنه ای، *اجوبه الاستفتائات*، س ۴۵ و ۳۱؛ سیدروح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، تقلید، م ۱۳؛ *آموزش فقه*، ص ۲۶؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۱۱ و ۲۲ و ۳۴.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، *عروة الوثقی*، ج ۱، تقلید، م ۱۱.

۵. سیدعلی خامنه ای، *اجوبه الاستفتائات*، س ۴۵ و ۳۱؛ سیدروح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، تقلید، م ۱۳ و ۴؛ *آموزش فقه*، ص ۲۶؛ *وسیله النجاه*، تقلید، م ۱۳ و ۴؛ آقای فلاح زاده هم در *آموزش فقه*، درس ۳، ص ۲۴، چاپ ۹۱، این گونه توضیح داده است: «در برخی از چاپ های کتاب *تحریر الوسیله*، تعبیر 'یحوز العدول...' آمده است؛ ولی بارها از اعضای محترم شورای استفتای امام خمینی سؤال شد و فرمودند به فتوای ایشان عدول در فتوا به مجتهد مساوی جایز نیست.» در کتاب *تفصیل الشریعه* شرح *تحریر الوسیله* آیت الله فاضل لنکرانی هم عبارت «لا یحوز» وجود دارد.

۶. ناصر مکارم شیرازی، *سایت*، تقلید، تغییر مرجع، س ۷ و ۵ و ۸.

۷. *منهاج الصالحین*، ج ۱، تقلید، م ۸ و ۱۴ و توضیح المسائل، م ۸.

۷. ولایت فقیه

۷.۱. معنای ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین‌شناس (امام خامنه ای).^۱

ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی، در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقّه اثناعشری است. ولایت فقیه ریشه در اصل امامت دارد. اعتقادداشتن به ولایت فقیه، اعم از اینکه بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود و اگر کسی به‌نظر خود براساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است؛ ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست (امام خامنه ای).^۲

۷.۲. قلمرو ولایت فقیه

۷.۲.۱. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

در اموری که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید متفاوت است، اگر این اختلاف در مسائل مربوط به اداره کشور و در اموری باشد که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، مانند دفاع از اسلام و مسلمانان برضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود. اگر در مسائل فردی محض است، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی کند (امام خامنه ای).^۳

در مسائل مربوط به حکومت، از نظر ولی فقیه و در مسائل دیگر از نظر مرجع تقلید پیروی می‌شود (آیت‌الله مکارم).^۴

۷.۳. حکم حاکم

۷.۳.۱. حکم حاکم جامع‌الشرایط

نقض کردن حکم حاکم جامع‌الشرایط جایز نیست، حتی برای مجتهد دیگر؛ مگر زمانی که خطای او ظاهر شود (حضرت امام و آیت الله مکارم).^۵

۱. /جوبه الاستفتائات، س ۵۶ و ۵۹ و ۶۱

۲. /جوبه الاستفتائات، س ۵۶ و ۵۹ و ۶۱

۳. /جوبه الاستفتائات، س ۵۲ و ۵۳؛ مکارم، استفتائات جدید؛ ج ۳، ص ۱۹ و سایت، تقلید، حکم و فتوا، س ۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۳، ص ۱۹ و سایت، تقلید، حکم و فتوا، س ۴.

۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۷؛ ناصر مکارم شیرازی: «مگر اینکه خطایش قطعاً آشکار شود یا طریق

نقض کردن حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست، حتی برای مجتهد دیگر؛ مگر زمانی که مخالفت آن با قرآن و سنت، قطعی باشد (آیت الله سیستانی).^۱

۷.۳.۲. تعارض قوانین و فتوای مرجع تقلید

۸. مسائل متفرقه

۸.۱. کتاب های فقهی مراجع

حضرت امام: تحریر الوسیله، حاشیه بر عروة الوثقی، توضیح المسائل، استفتائات، حاشیه بر وسیله النجاه، مناسک حج، نجاه العباد، زبدۃ الاحکام.

امام خامنه ای: تحریر المسائل، اجوبه الاستفتائات، مناسک حج، رساله آموزشی جلد ۱ و ۲، راهنمای اختلاف فتاوا. آیت الله سیستانی: مسائل منتخبه، منهاج الصالحین، حاشیه بر عروة الوثقی، تکملة منهاج، توضیح المسائل. آیت الله مکارم: حاشیه بر عروة الوثقی، توضیح المسائل، استفتائات، احکام بانوان، احکام پزشکی، مناسک حج، احکام عزاداری.

وصول به آن خطا باشد و منظور از طریق وصول، موازین حکم یا اجتهاد است؛ سیدروح الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۲۲ و سایت، حکم و فتوا، س ۲.

۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۶؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۷.